

بولتن خبری

کنفدراسیون نردبام ترقی نبود

نامه سرکنشده به مردم ایران
این روزها بسیار بحث برآمده است
افزایش آفای قطب‌زاده و دیگران که کم‌کم
امور مهم شده‌اند پای ما را به ما و ما را
خارج از کشور نیز بارها بیان کرده‌اند
است. مجموع کتفها نوشته‌ها در باره
فناختن های مبارزی خارج از کشور دارای
دو وجه می‌باشد.

الف: در پی اقدامات کسانی چون
آقای قطب‌زاده و امثالهم، تعدادی در پی
آند ما اهلیت، فائز و تاریخچه هرچه به
بیست سال فعالیت های کنفدراسیون در خارج
از کشور ما ناپدید کرده و آنرا محسوس
نمایند.

ب: برخی برخی می‌گویند مبارزات
خارج از کشور را به گونه‌ای برانحوت
بیل ساخته و آنرا و تپه کتب متناوبه
سازند.

بحث های موجود، مابعدی از دیدن
کنفدراسیون در دوره های مختلف را بران
داشت تا نظریه و افکار، ولی از اساس
محسوس از فعالیت و مبارزات خارج از کشور
را ارائه دهید. امید است این محسوس از
بظرف اهلیت و با تپه مبارزات دانشجویان
و روسفتران خارج از کشور را بارگو کند
و از طرفی می بیند کونکامر کسانی را که
تخصص خود را به خارج، پاره‌ها، می
کنند عریان سازد. ما در اینجا می‌خواهیم
ها را بر می‌سازیم و بازگویی تاریخچه
مبارزات خارج از کشور را که در حین
بختی از تاریخ مبارزات مردم ایران استنبه
فرمانی دیگر و لیدریم.

امید ما بر این بود تا تپه با ارائه
سازد و خواهد روشن و صریح نشانان
بباری را که در پی سبب جمع‌اند بنا
حقیق آنکه به دو دهه است ساری و بی
حرفه بگویند قسد آزادی یا آبیان تهریک
دهی کتفها کسی را از جز دانسته و نظریه.
می‌خواهیم از حقیقت سستی بگویم. چرا که
مستقیم این تنها حقیقت است که انقلابی
است. این سبب که گفتگو کنیم. از
خود برمی‌جویم سوزید. به گفته‌ها، به
تاریخ این بیست سال نمی‌زیم آنچه را که
خود در این همه سال در مبارزات کنفدراسیون
در فعالیت های اشتراکانه دانشجویان و
روشنفکران خارج از کشور علیه رژیم‌سید
و خودکام شاه سابق نبره کرده و شاهد
و درگیر آن بودیم بیاری خودمید و آنچه‌ها
که در دهان می‌سپید بود و شنیده بودیم
با وسواس و اریستی کردیم. به زندگی، به
آنچه گفتند، به حقیقت رجوع کردیم.
با وسواس، بی هدفه و بی غرض همه
در غرض همین چند بورد همین جمهوری
که پای جانب قطب‌زاده به آن بالاها، به چام
چم زار شده است.

هرانی دانستیم که اینجا از بازگویی
کترین رازی بهمان فرمایش. رازها بیکر
آنگارند. ما، محسوس، در جمع آوری و تهریک
عقله کسانی که عواره در حالیه بودمان
دانسته و نظریه و از امر آینه سستی
ذهنی کتفها را سوسه و تهریک کتفها
کردند. محسوس، هم در جمع آوری طومار
برای اثبات فعالیت کتفها و گزار خودمید
دست داشته و نادیم. مردمی اگر جمع
شده و طوماری اگر تهیه کرده همه بیکر
در اثبات فعالیت مبارزه قطب‌زاده مردم ایران
و اعضای جنبان های بی‌سازمان دار دسته
آدمکشان پهلوی و امپریالیسم بوده است.

شعور اجتماعی ما و محرکمان دربار سوسه
علیه رژیم شاه سابق همانند مری بود که
انگیزه و شخصیت معدودی داشته نشی
ها، از اینو آن راز های پنهان که کتف
بیکر آشکارند چیزی جز پیکار بود رژیم
شاه سابق و امپریالیسم سیت و در این
مبارزه که شهادت آزارنا بارخواهم شمره
سازیم از آقای قطب‌زاده نمایم.
ما برخلاف کسانی که در باز شمرن
زندگی سیاسی ایان قطب‌زاده خود را مایم
به تلف و اضمات و درگزن حلقه و این حقیق
میدانند چنین سقدی نادیم و در چنین
رئاضوایی کتفها می‌پنهان. اما مسلم است
کتابت کتفها سستی خود پالاتر از آن
حقیقت سیاسی سستی مردم را کرده نه‌شده
سیاسی چنین مردمی در گروه نیست به
بیدگان و پیدگان گروه حلقه کتفها که
بر راه هفتاد شهید امپریالیسم و مکزیک
مردم ایران کوششهای بی‌سازمان کرده‌اند می

داند در این راه کم نهداند. این کوشش
تا آنجا که بیکر جنبش عمومی و کتف‌سده
علیه شاه سابق و امپریالیسم و در راه بر ملا
ساختن توطئه های ضد مردمی ارتجاع ایران
و سلبانند نهضت آزادیخواهان مردم ایران
به افکار عمومی جهل سینود. طریقه میل
و خواهش بلقی این یا آن مرد مبارزه‌ای
بوده است که بدون شرکت آفای قطب‌زاده
و تحت لوای کنفدراسیون در خارج از
کشور صورت پذیرفته است.

ما در تمام آن فعالیت ها، آنکه که
تازه مهال برپا انقلاب گذشته سیند. آنکه
که هنوز می‌وای نبود تا عودای به مروه
چینی مهب گردند و میکاتوری نمی در سیه
چینی می‌نبرد، بیرون‌جمع چندانی مبارزه
در نیمه را در صورت سستل و چسبان
کنفدراسیون در سستی با لیدرچون ازجان
کیتسانی که در صورت اصلی مبارزه
میکردند دنبال کردیم و امروز وقتی بکشت
بر می‌نویسیم چینی و سستی از آفای قطب‌زاده
می‌نویسیم.

ما در تمام آن سال ها، سال هاش که
تازه حضرت آیدانه خمینی را نپید کرده
بودند به دفاع از ایشان برخاستیم و بسا
مردمان هیت های سایدگی به ترکیه و بعد
ها تپه به حضور ایشان تمام انگشتان
انتقارنی و نپلهمی خود را در اختیارشان
قرار دادیم و موافقتشان را در ارتگه‌سای
کنفدراسیون به چاپ رسانیم و با انگشتان
محسوس که در دست داشتیم به ایران
رسانیم و به زبان های خارج ترجمه
کردیم. باز هنگام مر عشار گذاشتن لیدر
عراقی که منبر به ترک حضرت آیدانه از
آن کشور گردید در مقابل سزارخانه های
عراق دست بخاطر زدم و همه اینها را
ببارد در راه دمگراسیون ما، مبارزانی
که در آن متسافه از ایشان و شخصیت،
تدل در این کارزار خبری نبود.

ما در آن سال ها، در اعتراضی سسته
دمگتری حضرت آیدانه قطب‌زاده و منتسب
بازگان، در اعتراضی به کتفها و کتف
مهندس نیکانودی و آیدانه سیدریه‌مک
بزرگاری کنفدراسیون سربه داران امپریالی
در تهران سزارخانه شاه سابق را در مروج
اشغال کردیم و به انصاف صاعدها باسحود
بست زدیم.

در اعتراضی به احکام اعلام کتف‌سده
قطب‌زاده و اصصی خدا که منبر به کتف
نسبی و نحو احکام اعلام کرده، در
اعتراضی به احکام و کتفها سیمبار لیدرچون
ایران از گروه جبرکهای عدلی خلق،
مب‌هدین خلق آزمان خلق، گروه اوبوئی
خوری، کتف‌سوز و پارتاش و دهه گروه
و سازمان دیگر به انصاف اند، سستیم.
تظاهرات براه انارخیم و سزارخانه های
زهرار اشغال کردیم.

سزارخانه‌ها و کتف‌لاری هسای
موتل شستهای را بارها و بارها در سرق
و عرب در اعتراضی به احکام اعلام کنفدراسیون
و دانشان، جزئی، طریقی و دیگران وزیر
اعتراضی به حکم اعلام مسعود رجوی از
سجدهین خلق اشغال کردیم و سیدریه‌سسته
صدای اعتراض مردم ایران را بیکر جانان
برسانیم. احتمالاً اخبار این فعالیت ها را
آقای قطب‌زاده در مطوعات جهان خواندند.

ما هر بار که شاه بخارج سفر میکرد با
مفایت های که از ماها قبل تارک و پرتابه
ریزی شده بود به اعتراض برخاستیم سونه
بازر این فعالیتها در سفر شاه به آلمان سال
۱۹۶۷ بود که در تهرات، یک دانشجوی
آلمانی بنام به‌اونه زورگ نوسه پلیس
به شهادت رسید. روز شهادت وی بنام روز
همنسنگ دانشجویان ایران و آلمان نامید
گاری شده است.

نومهای دیگر از این پهلوانی گسرم
کنفدراسیون از جلا ایران آخین سفر وی
به امریکا بود که تظاهرات بر شورمزاران
هزار دانشجوی ایرانی عضو کنفدراسیون
علیه وی و کتفه شاه ریزانه همه است.

خارجی ترجمه کرده و بسیاری از آنان در
تشریات بر تراز اروپا و امریکا انتشار
یافت. این اسناد هم اکنون همراه با کتب
متعدد بسیاری که محصول کار و فعالیت
های کنفدراسیون و دانشجویان و روشنفکران
خارج از کشور است هم اکنون در جیبان
های تهران و سایر شهرستان ها به فروش
می رسد. پس ما به موجودی نامیده‌ایم.
امیدیم تا در برنامه‌های آزادی سبیبانیم.
ما در اینجا دیگر از سزارخانه‌ها

کنفدراسیون، برپا ساختن میتنگ ها و مجالی
بانیود و بزرگداشت شهیدای راه آزادی و
استقلال ایران، در معرفی هنر و فرهنگ مردم
در استقلال روزنامه و نشریات به زبانهای
خارجی و برهم زدن کتفه ها، کنفدراسیون
مجالسی که رژیم سابق برای ازگون جلوه
داین و فعالیت های ایران با صرف مسخرچ
غزوان بدان دست میزد سستی نگتفها، ما
در اینجا دیگر از این اشعار سلطنتی تمام
مفایت های سلطنتی سنگه جور و ستم
پهلوی دوریما ساختن جشن تاجگذاری و
جشنای ۲۵۰۰ سالگی شاهنشاهی و پنج‌هین
سال سلطنت پهلوی که در اوج خود به‌سخت
اشغالگری های فراوان کنفدراسیون در میان
مردم کشورهای اروپا و امریکا منبر به
انتقارنی آنان، انتقارنی که در مورده‌ساز
یافت لو سرخشستیم ها و زهرارن مرچه
اول آن کشورها به ایران گردید سستی
نگتفها.

همه اینها، همراه با خستان و کلاه
خودانان، روزنامه‌نگاران و مخبرین
خارجی به ایران برای شرکت در پیدانگه
های ریزه و سستی به وضع زندانها و با
جیب‌دوری بول برای خانواده شهید بسا
جیب‌دوری بول و سایر به‌سخت و موزوزله
در ایران با کتفهای سسته و جنبش های
رهائی‌بخش قطب‌زاده، سستیم، ویتام و غیره
سستی نگتفها.

ما با کوششهای سسته خودمان ها و
بارها سکوت و سانسور مطوعات محافل
امپریالیستی برابر مسائل ایران را که سا
رشتو شاه سابق کتب گردیده بود کتف
و آنان بیکرات می‌نویسند سسته حلقای راهرچند
ناقص انتشار دهند.

ما با نام و وجهه و افکار سزاوارک را کتف
خارج از کشور نشاناسته بود با تلاش‌یکر
به افکار عمومی سستیم و بارها و بارها
ایران را جیدان شاه و دل‌ورهای مردم را
به سسته روز کشورهای اروپا و امریکا بیل
ساختیم و بیدان آن از سوی رژیم سست و
غیرتاریقی سابق علیه طومار اعلام کنیم
خبروت در کنفدراسیون از سوی دانشمندان
سوسی را دسفال جیب گردید.

در تمام اروپا و امریکا کتف سزارخانه
با کتف‌لاری بود که دست کم بیکر از
سوی اعضای کنفدراسیون به شهادت اعتراض
به حلیت های شاه سابق اشغال شده پتند
و بخاطر این اعمال اعضای کنفدراسیون
بارها و بارها تهدید شده، از کشور هسای
محل اقامت خود اخراج گردیدند و زندان
آفرید و پاتر بازگشت به ایران دمگتریکه
و به جیب زندان محکوم شدند و بر عوار
آنان شهید گردیدند. بلی همه اینها همراه
نزیت و آگاه ساختن هزاران دانشجوی
ایرانی مخرات از کشور سیت به اوضاع
ایران که بسیاری از آنان هم اکنون میدهند
گوشای از مالت‌های چین و چند ساله
کنفدراسیون جهانی است.

این فعالیت‌ها تا آنکه که آفای قطب‌زاده
کسرتی نفسی در آنها دانسته است. آنکه
می سیم در ملامت‌های کتف انضای ساری-
آموزان سزارخانه در توجیه شخصیت سیاسی
آقای قطب‌زاده در کتف مرت گردیده همه
این مطالب بگونه‌ای سست شده عنوان شده
و فعالیت های اشتراکانه کنفدراسیون جزو
تاریخ مبارزات سیاسی ایشان سلاله گردیده
و در واقع اخراج ایشان از کنفدراسیون
بسیکونه عنوان شده که آفای قطب‌زاده، سر
پایان سال ۱۳۵۵ به طاعت نوزد عناصر و طر-
فروش و مزدور بیگانه مانند لاشای و میوز
نوادری در کتفهای کنفدراسیون دانشجوئی
و کتف مای چین به این سازمان به انتقار
کنند. (کتابان ۲۲ اسخند).

اما واقعیت ایناست که به سستلیت
میردوان جنگلی فعالیت های کنفدراسیون
در سطح بین‌المللی، کنفدراسیون در اواخر
سال های ۱۹۶۰ به انتخاب بین‌المللی
دانشجویان (آی. یو. اس) که سقل تپه
سازمان های مغربی و ضد امپریالیستی جهان
بود دست سستیم امپریالیسم آمریکا برای مقابله
با این سازمان جهانی، تشکیلی را به نام
« کنفدراسیون بین‌المللی دانشجویان (کوکس) »
که در فرامتا با سازمان سوسیالیستی آن کشور
(اسی) بود برای به انحراف کشاندن جنبش
مغربی و ضد امپریالیستی دانشجویان جهان
طر گره. آفای قطب‌زاده در آن زمان که

عضو کنفدراسیون بودند کوشش کردند تا
کنفدراسیون بصورت سازمان، کنفدراسی
بین‌المللی دانشجویان به ساخته و پیدانگه
سپا بود فراید و جنبش جهت در کتف‌زای که
هر سال ۱۹۶۷ از سوی کنفدراسیون برگزار
گردیده بود پتفر تصمص بین‌المللی، لیجان
بظاهر ظنی که در سحر سستیم جنبش
دانشجوئی کرده بودند پتساق آراه از
کنفدراسیون اخراج شدند.

اما آنچه مربوط به لاشای و نوادی
و کتف مای چین به کنفدراسیون می شود
باید بگویند لاشای و نوادی هر دو عضو
کنفدراسیون بودند و بعدها به جنبش پشت
بازمه و فعالیت گردید. حیات آنان نیز از
سوی ما به صراحت گردید. حیات آنان
گردید. اما نکته اینجاست که حیات آنان
نی نوانست دلیل باسطله، کتفه گریه، چرا
که کنفدراسیون، یا هر وقت کنفدراسیون باشد، چرا
قطب‌زاده در سال ۱۹۶۷ صورت گرفت و این
سال ما قبل از فعالیت لاشای و نوادی به
جنبش بود.

تسیم آنان به ارتجاع، سال بعد از
اخراج ایشان انجام گرفته است.
هر مورد، بکتابی مای چین، به سسته
کنفدراسیون باید بگویند که کنفدراسیون
هیچگاه از جنبش با مرتجع بیکر جمع نوع
کتف مای چین تا دلالت است. ریز سزار
و درآمد های کنفدراسیون در گزارش هیت
دیدن آن کتف‌نگر ها می سلاله طرح
میکردند در اسناد کنفدراسیون موجودست
و ما هیچگاه سسته کتفی سوسی کسی مرز
نگردیم. درآمد های کنفدراسیون از محل
حق عضویت امضاء، فروش کتب و نشریات،
برگزاری جشنهای حید نوزد و مهرگان و
انتقارنی دامن درآمد بکوز کار امضاء به
بودن مالی سازمان و دیگر کتفهای مای
امضاء و خودارزان آن نامین می گردیده
است.

اما گره قسید در این است که اطهارات
دانش‌آموزان سزارخانه برپاره کتف های
مالی‌چین بنا - آفراتانی که بعد سید می‌ماند
بدون اطلاع آفای قطب‌زاده انتشار یافته
باشند، چه سستیم می نکتی آن سستی
آمدند - در انتقارنی کتف با نامهای استند
از سوی رژیم سابق وادرو سسته کتف
مرشزی حزب بوده بیان گردیده است. برای
کسانی که در لغات استقلال رای ندارند و
همواره چشم به فعالیت دیگران بوخته‌اند
فایل مهم است که جنبشی سوتانند بیکر
ببازگش و با سستی خود وجود خارجی
دانسته باشند.

از آنرو که اینجا از ارتجاع ایران و
با حزب بیهوش که بیانشان در متناوبگی
و رفتن و سسکو است بعد نمی دایم.
آنان از سسته دیگری به زندگی می‌گردند. اما
شما چرا؟ شما که خود از نزدیک جنبش
مردم را تجربه کرده‌اید دیگر چرا با ایشان
هم رای و حصصا می‌جوید؟ شما که دیدند
انتقارنی ایران بدون کسرتین حلیت بکوتات
خارجی تنها به همت مردم و پتوانه‌ایان
که کتب استقلال و آزادی سلاله گزاران
از صحنه خارج کرد چرا بدین شیوه مبتدل
و ناپندمانه برابرزه سیاسی روی مسی
آورید؟

همه رمز بوقتت ما در خدمتی ناچیز
به انقلاب ایران در این بود که عواره بر
روی اصول پانشاری رژیم و هیچگاه سستیم
و ملاحظات ظاهرا مردم در مبارزه سیاسی
را بر سستند و اصول خود ارتجاع‌سندیم
و از ابروو میوز از جانب رژیم سابق و
حزب توده و امروز متسکانه از سوی شما
مورد اتهام قرار گرفتیم. ما آنکه که حزب
نوده به سزارش گامهای مثبت شاه در انقلاب
سعد مشغول بود و شورش خونین ۱۵
خرداد ۱۳۵۲ را به پیروی از سسکو و بلوی
ملامت سلاله می‌کردند کتفها به ملامت
برخاسته‌توطیح نو استعاری شامپریالیسم
را مردود شمردیم و برپای خونین خرداد
ارج نهانیم.

ما از تیمار بهزادی داستان نظین
شاه سابق، کمکارا به نوزد گریز از جنبش
منهم سینود. انتقارنی نادیم. آنان هر
خود به انیمالندان باور داشتیم. بعد ما
از سستی که از مرکز اروپائی ساوارک در
ژنو سستیم آوردیم به سقدی برخواستیم که
مران آمده بود این دانشجویان از جمع کتف
مادورین ما این انیمه امکانات وسیع مالی
نمی توان فعالیت های آنان را خشی کرد.
ما از حزب توده، ایران مارکسیست هسای
سلطنتی که میوز سلطنترا بر تلتس
با سوسالیسم نمی بیند و امروز سلطرا

بقعه در صفحه ۲۷

تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران - سوسیالیستهای طرفدار « راه مصطفی » در آذر ۱۳۹۰ - نوامبر ۲۰۱۱

دلیل دادگاه اداری برای اخراج غیر منطقی است

شورای موسس رادیو تلویزیون به اخراج «اینالو» اعتراض کرد

شورای موسس انتخابیه کارکنان رادیو تلویزیون امروز به اخراج محمد علی اینالو از سوی دادگاه اداری این سازمان صورت گرفته است.

شورای موسس انتخابیه کارکنان رادیو تلویزیون امروز به اخراج محمد علی اینالو از سوی دادگاه اداری این سازمان صورت گرفته است. اینالو در پی اعتراضات کارکنان رادیو تلویزیون در مورد اخراجات ویرانه از طرف آقای اینالو به سبب حاکم بر رادیو تلویزیون در مملو هات ، تنها در صلاحیت مراجع قضایی است - کاتب دولت در راه برقراری ارتباط حسنه و رامگشایی بسیاری برخورد های منطقی و دور از غرض و تعصب برآوردند ، بنده که حداقل یکبار ضمن تپت سئولین برآ ششود ، شورای موسس انتخابیه کارکنان رادیو تلویزیون

روزنامه آیندگان - ۲ تیر

درباره تحصن کارمندان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

یکی از نمود های یک انقلاب رانستین تغییرات بیادیه فرهنگ ها و موسسات است که به نحوی زیر منظره و نفوذ رژیم و نظام قبلی بوده در راه مناسخ آن بنگار گسرتند

یا کادر را در رابطه با تغییرات اساسی آن موسسه پانهاد پذیرند - در این رابطه ما با مورد عینی و ملموس برخورد میکنیم : کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان - این کانون سال ها پیش بمنظور تبلیغ و ترویج ادیتولوژی حاکم ایجاد گردید

باید توجه داشت که منظور از تبلیغ ادیتولوژی حاکم این نبود که در کتاب هایسی که منتشر میکنند شما به ستایش ویزیک ناپلس چپار و طاقت زیمان برخیزند - بلکه کلا زیسر بنایفکری و با به جبارتی خط ادیتولوژیسیک دستگاه بود که بیادیه تبلیغ میشد - ولی کار کانون نمیتوانست درست در اختیار ادیتولوژی حاکم باشد - چون در تعامل نمایان کانسون یکی از پیوندهای جامعه بود و خواه ناخواه تضادهای بیرون جامعه را در خود منعکس میکرد - به همین دلیل طیف فرم فشار و اختساق حاکم بر فضای ادیتوگیک ایران - در مریون موسسه وابسته به رژیم - ادیتوگیک های مغربی - در قالب زبان ها و فسه ها راه پاد و ما شاهد کار های برجسته فکری و هنری این شیم که با سرمایه و کادیر این موسسه در اختیار همگان قرار گرفت - این امر دستگاه امنیتی و سرویس های نظارتی نظام رژیم را خوش نیامد و آنگاه اقدام به دستگیری و تعقیب و آزار مغربیسان کانون کردند - کسانی که سال ۳۳ در زندان بودند - بخشی چهره های هنری کانون را در آنجا بیاد می آوردند - به دنبال همین برنامسه بود که بخشهایی از کانون مثل «دایره خوشه» منحل شد - و این به دنبال دستگیری و حبس عدای و پیمانسن تو آن از مترقیان کانون به سازمان مغربی مسلح بود -

در هر صورت - کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان - به سبب وجود عناصری پاک و مغربی در آن - مغربم ملت و جدوریاش تبدیل به یکی از کانون های خوب جامعه شده بود - ما این را مدیون همین عناصر مغربم بودیم - به همین خاطر معتقدیم که اگر تغییر منطقی و ساینسن در کار کانون پایسه صورت بگیرد - لزوما بیادیه بنسنت همین افراد پاکد - مناسکسته بجای اینکه این گروه افکوری میدان عمل بپایند - برعکس در منظره و زیسر منگنه قرار گرفته اند و بنیادار سمت به تحصن زده اند - ما بدین رسوله - همیستکی خود را با متخصصین کانون اعلام و از دولت مغربم اهییم که با حسن نیتی شایسته به این مشکل چشواره اندیشی کند -

شورای دانشوران و کتابخوانان

کفدراسیون نردبام ترقی نبود

بازنده از صفحه ۲۶

سال ۱۳۷۷ که در آنجا هم به جای دفاع از کتبه زندانیان سیاسی ایران اسرار دانشگاه کده همه این حکایتها دست شما را بنیادید که گویا در ایران تنها زندانیان سیاسی مسلمان وجود دارند ! آنگاه شما که از عودت اجنماعی سخن میگوئید پس باادالته و با شیوه های مردم در تلویزیون همی از مبارزات و نسوای خارج از کشور معیر میشود - انهم بنوعی مسخ شده بنیاسی میگردید و از این بنام میردت دانشجویان ایرانی در خارج بد میسید و پاناره روش منی شدی ده این دستجوین نشن لوای کشم تشکیلات مبارزه میگردند - از برین نام کفدراسیون مغربم میروید -

آقای سفیرزاده ! بیوزفا همهچسنا نصیحت از این است که شما در خارج بدهید تا اینجا یعنی نیست اماچونکشی معایت شما در آنجا و حدود آن برای مردم نامشخص است - پس عینی ازسرتراش خارج - انهم بنوعی مسخ شده در تلویزیون بنیاسی گذاشته میشود تا این داعی در باور مردم ایجاد شود که پس انهمه مبارزه را ... می پشندید ده دیگر ما بهین نشود ها آنتسا هشتم -

دیگر نیش از این چیزی نی گوئید - تنها پاک بنده برای خود ما بناروسن است و آن اینکه چرا نصیحت در خارج بودن و منی به ما که مبارزه کرده ایم میردت پای روی پای انواختن و پانظارت نشنن و آنگاه منیه میروچسنی منی می دهم و در مورد دیگران به حساب - تخصص درمبارزه با رژیمه اگر صرف در خارج بودن چیزی را نمین کش - که نمی کشد - دستنار در سنجش خود و هشتم -

روزنامه آهنگر

متن قانون اساسی

این قانون در روز ۲۸ شهریور ۱۳۵۸ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۵۸ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این قانون در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۵۸ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این قانون در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۵۸ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

کلیه امور مملکت زیر نظر مستقیم رئیس جمهور انجام خواهد شد. رئیس جمهور را مردم فقط برای مدت شش سال انتخاب میشود. نحوه انتخاب رئیس جمهور با این ترتیب است که یک نفر از طرف دولت موقت بعنوان رئیس جمهور موقت معرفی خواهد شد و مردم باینستی دادرای «آری» یا «نه» درنگر زمان مقرر نظر خود را نسبت به وی اعلام نمایند. در صورتیکه فرد مورد نظر از طرف مردم انتخاب نشد دولت موقت برای یکبار دیگر انتخابات همان فرد را با ترتیبی که در فوق گفته شد به فرزند مردم بگذارد.

ماده ۱۰۰

اگر وظایف مملکت به چهارفوه تقسیم میشود که عبارتند از: فوه مجریه، فوه قضائیه و فوه قهریه. فوه مجریه عبارتست از: رئیس جمهور و هیئت وزیران و ادارات تابعه آنها که همه باینستی صرفی اوامر مامول قدرت در گوشه و کنار مملکت باینند. ماده پنجم

فوه مجریه عبارتست از: رئیس جمهور و هیئت وزیران و ادارات تابعه آنها که همه باینستی صرفی اوامر مامول قدرت در گوشه و کنار مملکت باینند. ماده پنجم

ماده ۱۰۱

فوه مجریه عبارتست از: رئیس جمهور و هیئت وزیران و ادارات تابعه آنها که همه باینستی صرفی اوامر مامول قدرت در گوشه و کنار مملکت باینند. ماده پنجم

فوه مجریه عبارتست از: رئیس جمهور و هیئت وزیران و ادارات تابعه آنها که همه باینستی صرفی اوامر مامول قدرت در گوشه و کنار مملکت باینند. ماده پنجم

ماده ۱۰۲

فوه مجریه عبارتست از: رئیس جمهور و هیئت وزیران و ادارات تابعه آنها که همه باینستی صرفی اوامر مامول قدرت در گوشه و کنار مملکت باینند. ماده پنجم

فوه مجریه عبارتست از: رئیس جمهور و هیئت وزیران و ادارات تابعه آنها که همه باینستی صرفی اوامر مامول قدرت در گوشه و کنار مملکت باینند. ماده پنجم

